

نگوی تکویی

در میان شاعرهایی که رئیس‌جمهور در دوران انتخابات مطرح کرد فقط شاعر ابولفضل نوری سرفه مرده هنوز یادآور شده است. یکی از شاعرهایی که دوستانشان هم نیز سعی دارند، همچنان به فراموشی سپرده شود، شاعر حل مسائل ازادکاهی پیمانکاری با یا به عبارت بهتر مساله فرارادهای موقت کار است. اگرچه دولت نهم در مورد نحوه به کارگیری نیروهای پیمانکاری در داخل دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد، این صصوه فقط موجب تغییر کارفرما شده و از سوی دیگر به تعداد کارکنان دولت افزوده است. البته مصوبه دولت نهم شرایط برای جذب نیروهای جدید در نظر نیز فرامه ساخت اما وجود فرارادهای یکساله، عدم برخورداری از بیمه بیکاری در پایان قرارداد، تبعیض در میزان پرداخت‌ها و... همچنان باقی است و تفاوتی در وضعیت، به وجود نیآورده است؛ همچون شاعرهای دیگری که ارائه شد و هیچ‌گاه در عمل اجرا نشدند باز شاید از ادای دیگری مطرح شود که حل مساله فرارادهای موقت نیازمند اصلاح قانون است و دولت نیز تغییر آن را در دستور کار دارد و یا گفته شود که به بازار کار به دلیل ماهیت و پیچیدگی های خاص خود ضرورت وجود پدیده ای به نام فرارادهای موقت را کارکنان پیمانکاری است. سرشماری اولین پیش نویس اصلاح قانون کار (دومین پیش نویس منتشر شده) نشان می‌دهد که مهمترین خدمت به کارگران آزادسازی اخراج همرا به پرداخت خسارت بود، به عبارت بهتر، این شیوه به نوعی با گذشتند به قانون کار قبلی است. هر حال از سرنوشت اصلاح قانون کار خواری نیست و کارگران همچنان در انتظار تحقق محوری ترین شعار دولت نهم یعنی حل مسائل عرصه روابط کار

یکی از آن همه شعاری که فراموش شد

[آرمین حمیدی]

درمان شاعرهایی که رئیس‌جمهور در دوران انتخابات مطرح کرد فقط شاعر ابولفضل نوری سرفه مرده هنوز یادآور شده است. یکی از شاعرهایی که دوستانشان هم نیز سعی دارند، همچنان به فراموشی سپرده شود، شاعر حل مسائل ازادکاهی پیمانکاری با یا به عبارت بهتر مساله فرارادهای موقت کار است. اگرچه دولت نهم در مورد نحوه به کارگیری نیروهای پیمانکاری در داخل دستگاه‌های اجرایی نشان می‌دهد، این صصوه فقط موجب تغییر کارفرما شده و از سوی دیگر به تعداد کارکنان دولت افزوده است. البته مصوبه دولت نهم شرایط برای جذب نیروهای جدید در نظر نیز فرامه ساخت اما وجود فرارادهای یکساله، عدم برخورداری از بیمه بیکاری در پایان قرارداد، تبعیض در میزان پرداخت‌ها و... همچنان باقی است و تفاوتی در وضعیت، به وجود نیآورده است؛ همچون شاعرهای دیگری که ارائه شد و هیچ‌گاه در عمل اجرا نشدند باز شاید از ادای دیگری مطرح شود که حل مساله فرارادهای موقت نیازمند اصلاح قانون است و دولت نیز تغییر آن را در دستور کار دارد و یا گفته شود که به بازار کار به دلیل ماهیت و پیچیدگی های خاص خود ضرورت وجود پدیده ای به نام فرارادهای موقت را کارکنان پیمانکاری است. سرشماری اولین پیش نویس اصلاح قانون کار (دومین پیش نویس منتشر شده) نشان می‌دهد که مهمترین خدمت به کارگران آزادسازی اخراج همرا به پرداخت خسارت بود، به عبارت بهتر، این شیوه به نوعی با گذشتند به قانون کار قبلی است. هر حال از سرنوشت اصلاح قانون کار خواری نیست و کارگران همچنان در انتظار تحقق محوری ترین شعار دولت نهم یعنی حل مسائل عرصه روابط کار



مرکز ملی توسعه منابع انسانی

هستند. روابط کارآرینه اقتصاد کشوراست و تمامی تحولات حوزه اقتصادی، در حوزه روابط کار خود را نشان می‌دهد. یکی از مهمترین رخ‌دهای حوزه اقتصاد که بدون شک در دولت نهم موجب تشدید مشکلات حوزه روابط کار نیز شد، واردات بی رویه کالا و حذف تدريجی تولید ملی است. اگرچه دولت نهم در راستای شعار دولت در خصوص حل معضلات کارگران قراردادی گامی برداشت اما این انتظار می‌رفت اوضاع به نحوی ساماندهی شود تا واردات بی رویه کالا و سایر سیاست‌های کنترلی موجب تعطلی واحدها نباشد. البته به کمک تلاش‌های نفتی و توزیع فراوان پول، برخی واحدها با بهره‌گیری به مصادف ضرب العجل معروف از این ستون به آن ستون ... به حیات خود ادامه می‌دهند. دولت نهم اگر به واقع می‌خواست به دور از شعارهای معمول و مرسوم در سال پایانی فعالیت خود در حوزه روابط کار اقدامی کند، باید در اولین فرصت در سیاست‌های وارداتی خود تجدینظر می‌کرد. اما خبرهایی که در ابتدای سال منتشر شد، حاکی از آن است که واردات با روند فراترپدیده‌ای ادامه خواهد داشت. تحلیل محتوایی این سیاست برای کارگران این است که آنان دیگر مانند شغلی را تجربه نمی‌کنند بلکه رشد پدیده بیکاری را لمس خواهند کرد. البته به طیف لغتیر در تعاریف، نرخ بیکاری نیز روند نزولی طی می‌کند قطعی که عنوان شد. نگاهي کوتاه به سرنوشت یکی از شاعرهای دولت نهم برای بهبود شرایط کار بود که کارگران به خوبی آن را درک کرده‌اند. در نرخی شدن دستمزد در اولین سال فعالیت دولت نهم، دولت، شکل‌های مختلف کارگری و کارفرمایی، تشدید نرخ تورم، و از دیگر مولفه‌های مؤثر بر حوزه روابط کار است که قابل بررسی و تحلیل است.

پرتوه

یادی از کارگری دور از خانه

[افرا سرداروار]



نمی‌توان از روز کارگران جهان نوشت و یادی از منصور اسانلو که از نوزدهم تیرماه سال گذشته تا به حال خود در زندان است، نکرده. منصور اسانلو این روزها در حالی همچنان در زندان اوین به سر می‌برد که از ناراحتی شدید چشمی رنج می‌برد. به گفته برهانه اسانلو نوزدهم تیرماه امسال یک سال از مدت آخرین حبس اسانلو می‌گذرد و در حال حاضر ماهی یک بار برای معاینات چشمی از زندان به بیمارستان منتقل می‌شود. اما علاوه بر وضعیت نامناسبی که این فعال کارگری در زندان ناگزیر به تحمل آن شده است، خانواده او در زندان تنگنا نبود پذیرد که شرایط چندان مساعدی برخوردار نیستند. پروانه اسانلو در اینباره می‌گوید: «به هر حال ایشان در زندان هستند و من مجبور هستم دو شیفت کامل کار کنم تا هزینه‌های سرسام آور زندگی را تا حدودی تامین کنم» پسران اسانلو، مادر نگران و همسرش، این نوروز را تنها با ملاقاتی حضوری از او در زندان پشت سر گذاشته‌اند و همچنان منتظرند تا تغییریه مثبت و منطقی در روند بررسی پرونده این فعال کارگری که ریاست تشکیل مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را بر عهده دارد، به وجود بیاید.

واکنش‌های جهانی به بازداشت منصور اسانلو اما در شرایطی ادامه دارد که پس از چندین ماه تلاش، وکلای پرونده اسانلو - پرویز خورشید و یوسف مولایی - به بازگشایی توانسته‌اند موفقیت مسولان زندان اوین را برای ملاقات حضوری با موکل خود بگیرند تا روند بررسی پرونده این فعال کارگری سرعت بیشتری به خود بگیرد.

با این حال روزها و شب‌های منصور اسانلو هنوز و همچنان در زندان می‌گذرد، حتی اگر روز اول ماه می باشد، حتی اگر روز گرمی‌ها باشد کارگران باشد.

استحتم به او برسد به جای رفع خشکی با این وضعیت بیشتر افسرده و بیمار می‌شود.»

به خاطر یک کف دست نان!

نزدیک به ۳۰ هزار کارگر در عدلویه مشغول به کارند. کارگرانی که حتی از نظر غذا هم در مضیفه هستند. جوان میرمادی، نماینده گروهی از کارگران شاخل در عدلویه در تشریح وضعیت نامناسب این کارگران می‌گوید: «هم کسبیت هم کمبیت کارکنان بسیار ناآرام است و کارگرانی که روزی ۱۲ ساعت کار می‌کنند همواره از کم بودن غذای آن‌هم رنج می‌برند. یکدیگر دویاری هم اعتراض‌هایی کریم‌چند نفر از کارگران با مدیران صحبت کردند و از آنها خواستند تا دست کم یک کف دست نان خشک به غذای آنها اضافه کنند تا سیر شوند اما مدیران این شرکت یکی از شرکت‌های پرترشیه‌ای، در پاسخ به درخواست پیش‌بینی با افتخار به راحتی آنها را اخراج کردن‌ده و چون نداشتن هر گونه تشکل کارگری برای حمایت از حقوق ابتدایی کارگران مسئله‌ای است که در کنار رواج بی رویه و قانونی شدن فرارادهای موقت کاری به کارفرمایان امکان‌ها می‌دهد که به سادگی توسط یک لیوان آب یا اخراج کارگران، وضعیت زندگی و معیشت هزاران خانواده را به خطر بینندازد. از طرفی به گفته مردادی که از حدود دو سال پیش در این منطقه کار می‌کند، مواد مغذیه به آسانی در عدلویه خرید و فروش می‌شود و به این ترتیب اعتیاد به خطر دیگری است که کارگران سال کمبیت‌های کارگری را تهدید می‌کند. در همین حال حسین اکبری، فعال کارگری نیز با مربوط دانستن همه مشکلات جامعه کارگری به یکدیگری، کارگران ایرانی را در زمینه حقوق کار بی‌پناه توصیف می‌کند و می‌گوید: «فرارادهای سفیدمغض، بیکاری و اخراج، نداشتن امنیت شغلی و پرداخت نشدن طولانی مدت حقوق و دستمزد مشکلاتی است که جامعه کارگری کشور را از نفس انداخته است. از وقت در این شرایط قانون کار هم به جای حمایت بیشتر از نیروی کار، کارگرانی است زید دفعی را از شمول قانون اخراج می‌کند تا کارفرما راحت‌تر بتواند به کارگر ستم کند.»

دولت ما برای کارگران ارزشی قائل نیست

به اعتقاد حسین اکبری نداشتن اشتغال مولد و امکان به فروش نقد فسب شده تا او مهم‌ترین حیاتی تولید و به دنبال آن نیروی کار از هیچ اهمیتی در کشور ما برخوردار نباشد. او تأکید می‌کند: «وقتی که سبب نایز به تولید شده باشد، به کارگر هم نیاز دارید و در نتیجه به او احترام می‌گذارید اما از آنجا که سبب تنگنا داخلی نسبیست و نمی‌خواهیم که باسبب درهای کشورمان را به روی کالا‌های خارجی باز کنیم تا فاجعه لانیستیک انرژی و با اینستور مفت‌پناه، به وجود بیاید و کارخانجات بپولند و کارگران و خانواده‌هایشان گرسنه بممانند. اما امروز برهنگال سرخانه‌ای مصرر و کشورهای عربی و غربی آمریکایی لاتین را مصرف می‌کنیم تا کنان روزی خودمان از بین بروید و کارگرانی که در فصل‌های معین از این چراند میوه اترتراق می‌گردند بیکار شوند.»

سال‌های بد، سال‌های بدی پایان

این چنین است که هر سال اول ماه مه که از راه می‌رسد، حرف تازه‌ای نداریم که تحویل جامعه استاندارد ما بدیعیم. ما ارجمانی برای برخی کارگرانی داشتیم که شرفی که هر سال फिरتر از این سال پیش می‌شوند نداریم. اگرچه از معضلات اجتماعی سخن می‌گوییم و به شمارهای عدالت مطالبه خود می‌پاییم اما برای زحمت‌کش‌ترین قشر جامعه خود چیز تازه‌ای در چننه نداریم. هوای تازه‌ای برای ربه‌های خسته نیست، هر چه هست دست‌های است که در باغچه می‌کاریم و سبز نمی‌شود.

گره از کار فرو بسته ما بگشاید

به مناسبت روز جهانی کارگر

[فهمیه خضر حمیدی]



نشر لطمع‌ناقصه جامعه کارگری شیک روز کارگر شایسته تر هر چیز به منزله بشننه تنبیس» باشد ...

سناسخی همچنان دارد. کارگران ایرانی صدراعده همچنان در انتظار آینده‌اند. کمبود مسیان باعث رتود کارخانه‌های تولیدی و بیکاری کارگران شده و باهمه اشاق و هدهده مراهه مسلمان هجوم گروهی کارگران برای یافتن شغلایی در استان‌ها به منطقه مسلوپه شده است. جوان میرمادی، کارگر فعال در این منطقه درباره شرایط زندگی خود و همکاریاش در عدلویه می‌گوید:

«کارگران را اینجا با وجود کار سخت و طاقت‌فرسایی که دارند گناه‌ها سماع‌هم حقوق نمی‌گیرند و گروه بزرگی از کارگران کارکنان و دستمزد همه ماه پانلی سال گذشته خود را هم دریافت نکرده‌اند. بگذریم از اینکه حقوق آنها هم در حد زیر خط فقر پراخت می‌شود.» به گفته مردادی از مجموع ۱۰ هزار کارگری که برای پروژه پالایشگاه گاز و در فاز ۱ و ۱۰ عدلویه کار می‌کنند تنها کارگرانی استخدامی پیمانکار اصلی حقوق خود را دریافت می‌کنند و هزاران کارگری که تاگزیر از کار کردن برای پیمانکاران فرعی هستند ماه‌ها می‌گذرد و دستمزدی دریافت نمی‌کنند. این کارگر ادامه می‌دهد: «خوئناگهی که کارگران عدلویه در آن زندگی می‌کنند مانند مراکز بازپروری است. بوی تم و بوی گنج‌های موداضعونی کشنده‌ای که به خیال خوششان از برای غفلت‌زبانی از این محل کنی استفاده می‌شود. هر تازه واردی را گنج می‌کنند. تعداد حمام‌ها بسیار محدود است و همان تعداد محدود هم در نظر بهداشتی و وضعیت امنستای است. تعداد دوش‌ها بسیار کم است و وضعیت آب‌سپار زنده است به طوری که کارگری که پس از ۱۲ ساعت کار سخت به جایگاه بازمی‌گردد اگر توست

در اواخر دوران اصلاحات مسند کار شایسته در وزارت کار مطرح شد و وزارت کار دولت خاتمی با برگزاری همایش‌ها و نشست‌هایی اندک توجهی به مقاله‌هایی حقوق پیمانکاری نشان داد. اما این توجه هم به حد یادگیری‌هایی که با روی کار آمدن دولت جدید خاموش شد باقی ماند. مددی در این باره می‌گوید: «وزارت کار در این سال‌های پیش از جایگاه وزیر صنایع و معادن حرف زده و تنها کاری که انجام داده است برقراری روابط منطقی و سالم و مبتنی بر عدالت اجتماعی میان کارگر و کارفرما بوده است. این دوره حتی شوهرهای اسلامی کار هم که وابسته به دولت هستند تحمل نشدند و به این ترتیب جامعه دستمزد هم به عنوان یکی از وظایف اصلی خود، موقوف عمل نکرده.»

ما در عدلویه، در انتهای جهان می‌کنیم

خصوصی‌سازی صنایع و کارخانجات برخلاف آنچه هدف اصلی آن به شمار می‌رود، به بزرگ‌ترین دشمن کارگران ایرانی تبدیل شده است. بیش از ۶۸۰ کارگر شرکت آونگان اراک ماه‌هاست که در بی‌وقارگری این واحد صنعتی

به سال اول ماه مه که می‌شود یکی بار دیگر می‌بامان می‌آید که حدود پانزده میلیون کارگری که در این کشور در سخت‌ترین شرایط ممکن کار می‌کنند و به دشواری روزگار می‌گذرانند هم به عنوان بخشی از جامعه وجود دارند. روز جهانی کارگر از این نظر اگرچه یادآور غفلت اسفبار رسانه‌ها و برخی مسولان و سیاستمداران ایرانی نسبت به جامعه بی‌برخانه کارگری است اما شاید فرصت معتمنی هم باشد برای طرح صدبایر مطالبات و معضلات کارگرانی که حتی از داخل صحنه سیاسی و مردم‌ساده و فروردین بر گزارگشت تازهوری که جیان به نام آنها و برای آنها نیست کرده است، منع می‌شوند. اما برخی کارگران ایرانی در حالی اجازه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را در شهرها و محل کار خود ندارند که جامعه جهانی کارگران آن‌ها در تنها در روز کارگر کار را تعطیل می‌کند. بلکه ازآزاده و در فضاهای عمومی و حتی با همکاری و همراهی دولت‌ها و جامعه کارفرمایان، این روز را جشن می‌گیرند و در پی فعالیت آزادانه سندیکاهای صنفی و اتحادیه‌های کارگری مطالبات خود را بیان می‌کنند. برای کارگرانی که ماه‌هاست حقوق ماهانه خود را دریافت نکرده‌اند حتی عید نوروز، پس از یک‌سال کاری می‌زین‌تانی برسرفه خانواده خود نیامده‌اند، برخی کارگرانی که به حکم فراردهای موقت از یک‌بازار یا به جرم مطالعه حقوق صنفی خود بازداشت شده‌اند، شاید دیگر روز جهانی کارگر هم معنای اصلی کارکنی خود را از دست داده باشند.

صدا کارگران به سیهر جامعه نمی‌رسد با وجود شرایط نابسامان و آشفته‌ای که به خصوص در طول سه سال گذشته به جامعه کارگری ایران تحمیل شده است هنوز هم صداهایی از گوشه و کنار این جامعه نادیده انگاشته شده شنیده می‌شود. ابراهیم مددی، فعال کاری یکی از این صداهاست. او می‌گوید: «صدا کارگران را به سیهر جامعه نمی‌رسد و شاید این یکی از اصلی‌ترین دلایل ضایع شدن حقوق این گروه ۱۵ میلیون نفری از جامعه باشد. کارگران تشکیل‌های آزاد و مستقل سازمان و تبلیغ نمی‌توانند صدای خود را به گوش مجامع و دولت‌ها برسانند. نیروی ترانت‌پر برخلاف تمام کشورهای دنیا و به عنوان یک جمعیت میلیونی و مورد ست تم یک نماینده واقعی در سیمتم قانونگذاری کشور داشته باشند و در نتیجه می‌توانند از حقوق صنفی خود دفاع کنند». ابراهیم مددی با اشاره به سابقه ۳۰ ساله برگزاری انتخابات پی از انقلاب، خلا حضور نمایندگان کارگری در این انتخابات و تعیین سرنویشت ملی را نقطه ضعف و بزرگترین نقطه قوت کارگری می‌داند و ادامه می‌دهد: «هم‌گوش مجامع و دولت‌ها هم از موازین اصلی اعلام‌یهای حقوق‌پیش‌تر است که حقوق کارگری باید به گونه‌ای باشد که بتواند حداقل معیشت یک خانواده ۴ نفره را تامین کند اما به دلیل ضعف قوانین سازمان‌های کارگری حتی حداقل حقوقی هم که در قانون کار کشور ما پیش‌بینی شده است با کارگران پرداخت نمی‌شود و در نتیجه کارگری همیشه فقر و مشقت همراست.» این فعال کارگری در افتقاد به وضعیت برخورد دولت با تشکل‌های کارگری مستقل به تجربه کشورهای دیگر اشاره می‌کند: «ما نمی‌خواهیم روابط کار در کشور خودمان را با کشورهای اروپایی مقایسه کنیم اما حتی در مقایسه با کشورهای مانند نیجریه، فلسطین، هندوستان و ژاپن ما وضعیت نامطلوبی



کافه نگره

چشم‌ها را باید نشست

[یوسف مولایی]

توسعه یافتگی وجود تشکل‌های کارگری مستقل می‌باشد و یکی از مؤثرترین و موفق‌ترین سازمان‌های بین‌المللی نیز سازمان بین‌المللی کار می‌باشد و اسناد بین‌المللی ناظر به حقوق پیمانکاران در این سازمان بین‌المللی کار گرفته تا اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جایگاه بسیار بااهمیتی برای حمایت از توسعه اقتصادی و اجتماعی و افزایش قدرت سرمایه در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها، نیروی کار برای تولید ثروت بیشتر و کاهش هزینه تمام‌شده کالا، به شدت تحت فشار قرار گرفت و اینجاست که دفاع از حقوق خود در مقابل صاحبان سرمایه، با ایجاد تشکلهای صنفی و سازمانهای اعتراضی، اجتماعی و اقتصادی مدنی پرداخته و با اتکا به قدرت همبستگی خود موفق به برقراری توازن نسبی نیرو در مقابل سرمایه‌داران شدند.

اول ماه می، یکی از هزینه‌ها و دستاوردهای مبارزات مدنی کارگران برای احقاق حقوق خود می‌باشد و از این رو به عنوان نمادی در تاریخ مبارزات بین‌المللی پیش‌بینی و وضعیت بشری و اقتصادی و فرهنگی و شرفنکاران بلکه نیروهای اجتماعی از طیف حرکت‌های صنفی کارگری در ادامه راه خود موجب شکل‌گیری اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری شده و نفوذ و ارتقای سطح دموکراسی در کشورها، توسعه را به دنبال آورده.

به طوری که امروز هیچ کشور توسعه یافته‌ای وجود ندارد که از این جنبش‌ها و دستاوردهای کارگری نقش‌نقشه‌ای گرفته نشود. از این مناسبت مدنی، اقتصادی و حتی فرهنگی استفاده می‌کنند. از این مناسبت به جرات می‌توان گفت که یکی از شاخص‌های

چند دلیل ساده برای معضلی که زندگی کارگران را فلج کرده است

[اسماعیل محمدولی]

واضح‌ترین تصویری که این روزها از وضعیت کارگران ایران مشاهده می‌شود، تشدید اخراج‌ها و ماه‌ها تعویق در پرداخت حقوق کارگران است.

توسعه‌یابی و روال مملی همه این سال‌های پس از جنگ، اصلی‌ترین دلیل این وضعیت بحرانی است. همچنان کارخانه‌های بزرگی که نتوانستند در دام کارگزارانشان هستند، قیمت ناچیزی به لایه پائین‌ترین و به قدرت و ناگذاری می‌شوند تا طبق یک روند شناخته شده این طبقه و روال مورد اولیه به کارخانه تولید تعطیل شوند و بر این اساس برای چندین ماه پرداخت حقوق کارگران به سر بالا نکرده می‌شود. صدای اعتراض کارگران به عدم دریافت حقوق مالک خصوصی‌ها همی به پنهان‌بند نفیگذاری از دولتی دریافت کنند و این عزم و فعالیت کارگری را قدر یافت و ام‌تعدادی پدید آمدند که در نهایت کارخانه ورشکسته‌نشانته‌شود و ابزار تولید و زمین وسیع و ارزشمند کارخانه‌ها فروخته‌شود و یا از سوله‌ها به عنوان ابزار استفاده‌شود.

در این دوره صنعتی و حقوقی از کارگران کم‌توجهی و محاصره‌شده است. واردات گسترده محصولات مشابه تولید داخلی است و این مسئله به عمده‌ترین عامل کاهش تولید و درآمد می‌شود در سال‌های اخیر با صمیمیت روابط سیاسی دو کشور شدت گرفته است. به حدی که صنایع بزرگی چون لوازم خانگی، نساجی، قند و شکر، لوازم‌بهداشتی، لوازم تحریر و حتی کارخانه‌های تولید کننده تا نسیاست حرارتی هم توان رقابت را دست داده و در آستانه نابودی قرار گرفته‌اند.

به عنوان مثال تولید کننده منسوجات ایرانی قدرت رقابت با محصولات مشابه چینی را ندارند چرا که اگر قصد تولید پارچه را داشته باشند باید در این کشور تولید کنند. برای این پیش‌بینی‌ها از چین است و در چنین شرایطی اگر تمام هزینه‌های تولید مثل ابزار تولید، نیروی کار و ... هم صفر در نظر بگیریم باز تولید سرخرابه می‌شود و امکان رقابت نیست و ورشکستگی این صنایع و زندگی در فقر و بیکاری سرودن هزاران کارگر شاخل در این صنایع است.